

## بررسی کارنامهٔ مثنوی پژوهی در ایران

خسرو قاسمیان\*

### چکیده

از میان آثار مولانا، کتاب گران سنگ مثنوی از دیرباز در بسیاری از کشورها بویژه در ایران، ترکیه و شبه قارهٔ هند، مورد توجه گروه‌های مختلف قرار گرفته و آثاری فراوان در پیوند با آن بوجود آمده است؛ اما دربارهٔ این آثار بوجود آمده، تاکنون گزارشی مدون و بایسته ارائه نشده است.

بدست دادن گزارش‌هایی علمی و آماری از چگونگی سیر مثنوی پژوهی در کشورهای مختلف، از یک سو پای‌گاه مولانا و مثنوی را در آن دیار روشن تر می‌کند و از سوی اهمیت فرهنگ و زبان فارسی را بیش از پیش بیان نشان می‌دهد و از سوی نیز راه دیگر پژوهش گران حوزهٔ مولانا پژوهی را هموارتر می‌کند. بر همین اساس، در این مقاله سعی شده است کارنامهٔ مثنوی پژوهی در ایران، به دو دورهٔ زمانی تقسیم شود و در حدّ توان همهٔ آثاری که از گذشته تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی دربارهٔ مثنوی به صورت‌های تألیف، تصحیح و ترجمه چاپ گردیده است، بررسی، موضوع‌بندی و طرح شود.

بنابراین مقالهٔ حاضر محصول پژوهشی است که در آن ۱۱۴ عنوان کتاب، در ۲۱۰ جلد و ۹۸۲۱۰ صفحه نقد و بررسی شده است. از این ۱۱۴ عنوان کتاب، ۸۶ مورد در ۱۳۹ جلد و ۶۳۷۳۲ صفحه بصورت تألیف و ۱۶ مورد در ۳۴ جلد و ۱۷۰۳۹ صفحه بصورت تصحیح و ۱۲ مورد نیز در ۳۷ جلد و ۱۷۴۳۹ صفحه بصورت ترجمه بوده است.

کلید واژه

مثنوی - مثنوی پژوهی - مولانا - ایران.

---

\* استادیار بخش فارسی دانش‌گاه علوم پزشکی شیراز.



## ۱- مقدمه

از میان آثار مولانا، دیوان شمس و کتاب گران‌سنگ مثنوی، جای‌گاهی ویژه دارد. البته مثنوی در جوامع مختلف از نفوذ و حضوری گسترده‌تر برخوردار است و آثار پدیدآمده دربارهٔ آن نیز، بسیار پربرگ‌و‌بارتر و قابل توجه‌تر از آثار مربوط به دیوان شمس است.

اهم پژوهش‌های مربوط به مثنوی، در کشورهای ایران، ترکیه و شبه قارهٔ هند صورت پذیرفته و در قالب نسخه‌های خطی، سنگی و چاپی و بصورت تألیف، تصحیح و ترجمه و در هیأت کتاب و مقاله ارائه گردیده است.

با تأسف باید گفت که در خصوص آثار پدید آمده دربارهٔ مثنوی تاکنون پژوهش و گزارشی شایسته و بایسته ارائه نشده است.<sup>۱</sup>

با آن که تهیة گزارش‌هایی از کارنامهٔ مثنوی پژوهی در گوشه و کنار جهان، کاری وقت‌گیر و دشوار است، اما توجه و پرداختن به آن ضروری و کارساز است و می‌تواند موقعیت و حضور مولانا و مثنوی را در کشورهای دیگر، بیش از پیش روشن کند.

در این مقاله، سعی شده است کارنامهٔ مثنوی پژوهی در ایران براساس کتاب‌هایی که از قدیم‌ترین زمان تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی دربارهٔ مثنوی مولانا پدید آمده و به صورت تألیف، تصحیح و یا ترجمه، چاپ و ارائه گردیده و نگارنده به آن‌ها دست یافته است، بررسی گردد.

در این بررسی، نسخه‌های تهیه شده از متن مثنوی و نسخه‌های خطی و چاپ‌های سنگی مورد توجه و بررسی نبوده است.

کتاب‌هایی که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته شده، به نه طبقهٔ موضوعی یعنی: «تحقیقی»، «تفسیری»، «تحقیقی - تفسیری»، «برگزیده»، «راهنمای موضوعی»، «فرهنگ لغات»، «کتاب‌شناسی»، «بیت‌یاب» و «تقلیدی» دسته‌بندی و نام‌گذاری شده<sup>۲</sup> و در دو دورهٔ زمانی بررسی گردیده است.

## ۲- دوره‌های مثنوی پژوهی

روی کرد مکتوب به مثنوی در ایران، با کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی<sup>۳</sup> در اوایل قرن نهم هجری قمری آغاز می‌شود و با حضور چند تن دیگر از مثنوی پژوهان ادامه می‌یابد و در چند قرن بعد، با رکود و کندی پیش می‌رود؛ تا این که در سدهٔ اخیر

با حضور مولانا شناس نام‌دار، استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر، حیاتی دوباره می‌یابد و روزبه‌روز پربرگ‌وبارتر از گذشته مسیر خود را می‌پیماید.

در این‌جا، سیر مثنوی‌پژوهی در ایران، از آغاز تا عصر حاضر، به دو دوره زمانی تقسیم گردیده است. از خوارزمی تا فروزان‌فر، دوره نخست و از فروزان‌فر به بعد، دوره دوم نامیده شده است که در این پژوهش دوره دوم به سال ۱۳۸۳ ختم می‌گردد.

بنابراین، دوره اول مثنوی‌پژوهی از حدود سال ۸۰۰ هجری قمری تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی یا چند سال بعد از آن، پنج قرن را در بر می‌گیرد و دوره دوم، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۳ خورشیدی، کمتر از یک قرن را.

یادآوری می‌شود که اگر کتابی در دوره اول و در ایران نوشته و در دوره دوم، تصحیح و چاپ شده باشد، متعلق به هر دو دوره است. همچنین اگر کتابی در دوره اول و حتی پیش از آن در خارج از ایران، پدید آمده باشد و در دوره دوم، در ایران بچاپ رسیده باشد، جزو آثار دوره دوم بحساب آمده است.

## ۲-۱- دوره اول (از سال ۸۰۰ هجری قمری تا ۱۳۰۰ خورشیدی)

در دوره اول، خوارزمی، نخستین کسی است که در ایران به صورت مکتوب به مثنوی مولانا می‌پردازد و نخستین اثر خود را با عنوان «کنوزالحقایق فی رموزالدقایق» در شرح مثنوی بنظم درمی‌آورد و مدتی پس از آن در سال ۸۳۰، شرحی دیگر را با نام «جواهرالاسرار و زواهرالانوار» به نثر می‌نگارد و مشعل شرح‌نویسی بر مثنوی را در ایران بر می‌افروزد.

شرح «کنوزالحقایق فی رموز الدقایق»، تاکنون بچاپ نرسیده و از چگونگی آن نیز اطلاعی چندان در اختیار نیست؛ اما شرح «جواهرالاسرار و زواهرالانوار» که بچاپ رسیده است،<sup>۴</sup> مشتمل بر مقدمه‌ای در ده گفتار درباره شرح حال تعدادی از اولیا و مشایخ دین و تصوف و پاره‌ای اصطلاحات عرفانی و شرح دفترهای اول و دوم و سوم مثنوی است. گفتنی است که این شرح به سبب فوت و یا کشته شدن خوارزمی، ناتمام باقی می‌ماند.<sup>۵</sup>

پس از خوارزمی، در همان قرن نهم، شاعر و عارف مشهور، شاه‌داعی‌الی‌الله شیرازی، شرحی به نسبت مختصر بر دفترهای مختلف مثنوی می‌نویسد<sup>۶</sup> و سپس یکی دیگر از صوفیان قرن نهم به نام یعقوب چرخ‌چی، شرحی بسیار فشرده را بر برخی بیت‌های آغازین مثنوی با عنوان «نایبه» بدست می‌دهد<sup>۷</sup> و هم‌زمان با وی نیز، شاعر و



ادیب و عارف معروف، عبدالرحمن جامی، مفهوم «نی» مولانا را در قالب ۱۱۵ بیت با عنوان «نی‌نامه» شرح می‌کند.

به دنبال شارحان یادشده، کمال‌الدین حسین بن علی بیهقی هروی، معروف به ملاحسین کاشفی، از دانش‌مندان پرکار نیمهٔ دوم قرن نهم - که سی اثر را در زمینه‌های مختلف به وی نسبت داده‌اند - شرحی بر مثنوی می‌نویسد و برگزیده‌ای از مثنوی را نیز با عنوان «لباب معنوی فی انتخاب مثنوی» آماده می‌کند و پس از آن نیز گل‌چینی موضوعی و جالب را از برگزیدهٔ یادشده با نام «لب‌لباب مثنوی» به همراه توضیح‌هایی عرفانی و روشن‌گر به دست می‌دهد. (نفیسی، ۱۳۶۲: ۹۸)

براساس آنچه به ما رسیده است، به دنبال آن، با یک قرن رکود در روند مثنوی پژوهی، در قرن یازدهم، شخصی به نام محمد صالح قزوینی (متوفی ۱۱۱۷) شرحی بر مثنوی می‌نویسد که تنها دفتر چهارم آن بجا مانده و با عنوان «کنوزالعرفان و رموزالایقان» در سال‌های اخیر بچاپ رسیده است. هم‌چنین در این قرن شرحی دیگر از عالم و نویسندهٔ مشهور، قاضی نورالله شوشتری (متوفی ۱۰۱۹ هـ.ق) بر شش دفتر مثنوی نگاشته می‌شود که تاکنون بچاپ نرسیده است. عالم و شاعر معروف قرن یازدهم، ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ هـ.ق) نیز، برگزیده‌ای از مثنوی تهیه می‌کند که اخیراً با دو عنوان «سراج السالکین» و «عرفان مثنوی» بچاپ رسیده است.

با یک قرن فاصله و رکود، در قرن سیزدهم، شرحی دیگر به قلم فیلسوف و شاعر شهیر، حاج ملاهادی سبزواری بر مثنوی نوشته می‌شود که نخست بچاپ سنگی و سپس بچاپ امروزی می‌رسد.

بنابراین، در طول دورهٔ ۵۰۰ سالهٔ نخست مثنوی پژوهی در ایران، در میان آنچه تاکنون بدست آمده است تعدادی اندک اثر در پیوند با مثنوی سامان می‌یابد که هفت مورد آن، متعلق به قرن نهم، سه مورد مربوط به قرن یازدهم و یک مورد مربوط به قرن سیزدهم است. در قرن‌های دهم و دوازدهم هیچ اثری دربارهٔ مثنوی بوجود نمی‌آید و یا اگر هم بوجود آمده، گزارش آن به ما نرسیده است.

گفتنی است که از هفت مورد آثار پدید آمده در قرن نهم، پنج مورد آن شرح، یک مورد برگزیده و یک مورد نیز راه‌نمای موضوعی مثنوی است و از سه اثر مربوط به قرن یازدهم، دو مورد شرح و یک مورد برگزیده و یک اثر نوشته شده در قرن سیزدهم نیز شرح مثنوی است.

ویژگی‌های کلی و مشترک آثار دورهٔ اول مثنوی پژوهی را می‌توان در چند محور زیر، خلاصه و بیان کرد:

الف: همه نویسندگان و شارحان به نوعی اهل ذوق و عرفان بوده‌اند.  
 ب: روی کرد شارحان و وجه برجسته شرح‌های آن‌ها عرفانی است.  
 ج: در شرح‌های این دوره، اصولاً به مباحث کلی و محتوایی مثنوی پرداخته می‌شود و به مباحث لفظی و واژگانی آن چندان توجه نمی‌شود.  
 درباره دوره اول مثنوی‌پژوهی در ایران، چند پرسش قابل طرح به ذهن می‌رسد: چه چیز یا چیزهایی سبب تأخیر تقریباً دوپست ساله ایرانیان در پرداخت مکتوب به مثنوی بوده است؟ چرا در قرن نهم به تنهایی، هفت اثر درباره مثنوی شکل می‌گیرد، اما در چهارقرن پس از آن فقط سه اثر پدید می‌آید؟ چرا در قرن‌های دهم و دوازدهم هیچ‌گونه اثری در خصوص مثنوی وجود نمی‌آید؟ آیا مثنوی، در ایران شناخته شده نبوده است؟ یا وجود شخصیت‌های بزرگ علمی، ادبی و عرفانی دیگر، تا حدودی جامعه را از پرداختن بیش‌تر به مولانا و مثنوی بی‌نیاز داشته است؟ و یا روی‌دادها و مسایل اجتماعی و سیاسی دیگر در این میان دخیل بوده است؟  
 به هر حال نگارنده تاکنون به پاسخ یا پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای برای پرسش‌های یادشده نرسیده است و رسیدن به پاسخ‌هایی از این دست، نیازمند بررسی‌های بیش‌تر و دقیق‌تر تاریخ سیاسی و اجتماعی و سیر فرهنگ و ادبیات ایران است.

## ۲-۲- دوره دوم (از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۳ خورشیدی)

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، دوره دوم مثنوی‌پژوهی در ایران، با روی کرد عالمانه و بنیادین استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر به آثار مولانا، بویژه مثنوی آغاز می‌گردد و سنگ بنای مولاناشناسی و مثنوی‌پژوهی و پژوهش‌های کاربردی بعدی در این حوزه با همت و پشت‌کار ستودنی آن معمار هوش‌مند و نوشته شدن کتاب‌های «مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی»، «احادیث مثنوی»، «شرح مثنوی شریف» و «زندگانی مولانا»، تصحیح کتاب‌های «فیه‌مافیه» و «دیوان غزلیات» به قلم ایشان گذاشته می‌شود.  
 پس از فروزان‌فر نیز، بازار مولاناشناسی و مثنوی‌پژوهی، با حضور پژوهش‌گرانی مانند ادوارد ژوزف، جلال‌الدین همایی، عبدالحسین زرین‌کوب، محمد استعلامی، سیدجعفر شهیدی، عبدالکریم سروش، کریم زمانی و برخی دیگر رونقی بیش‌تر می‌یابد.  
 بی‌گمان در دوره دوم مثنوی‌پژوهی تا امروز، کتاب‌های مورد اشاره از استاد فروزان‌فر و کتاب‌هایی مانند «مولوی‌نامه»ی استاد جلال‌الدین همایی، «سرتی» و «بحر در کوزه»ی دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، «شرح جامع مثنوی» از کریم زمانی و درس



گفته‌های دکتر عبدالکریم سروش را می‌توان به عنوان بهترین کارهای مطرح در حوزهٔ مولاناشناسی و مثنوی‌پژوهی قلم‌داد کرد.

افزون بر آن‌چه گفته شد، آثار دورهٔ دوم مثنوی‌پژوهی، هم از نظر کمی و هم از جنبهٔ کیفی و هم به سبب تنوع موضوع، بسیار پربرگ و بارت‌تر و قابل توجه‌تر از آثار دورهٔ اول است. چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، در دورهٔ اول، در طول بیش از پنج قرن تعدادی اندک اثر دربارهٔ مثنوی پدید می‌آید؛ در حالی که عناوین کتاب‌های ارائه شده در دورهٔ دوم، یعنی در مدت کم‌تر از یک قرن، بیش از ده برابر آثار دورهٔ اول است. هرچند دو سه مورد از آثار دورهٔ اول هنوز بچاپ نرسیده و تعداد جلد و صفحهٔ آن‌ها معلوم نیست و از این نظر حجم آثار دورهٔ اول و دوم را نمی‌توان با دقت مقایسه کرد، بدون تردید می‌توان گفت: کتاب‌های دورهٔ دوم از نظر تعداد مجلدات و حجم صفحات بسیار گسترده‌تر از آثار دورهٔ اول است.

### ۳- آمار انواع کتاب‌ها

با صرف‌نظر از چند مورد از آثار دورهٔ نخست مثنوی‌پژوهی در ایران - که تاکنون بچاپ نرسیده است - آمار کتاب‌هایی که در دورهٔ اول و دوم مثنوی‌پژوهی ارائه گردیده و در این مقاله به نه دستهٔ موضوعی تقسیم شده، به شرح زیر است:

#### ۳-۱- کتاب‌های تحقیقی

تعداد کتاب‌های تحقیقی، ۴۷ مورد در ۴۹ جلد با ۱۴۲۷۳ صفحه است که ۴۳ مورد از آن‌ها بصورت تألیف و ۴ مورد به صورت ترجمه است.

#### ۳-۲- کتاب‌های تفسیری

تعداد کتاب‌های تفسیری، ۲۳ مورد در ۱۰۲ جلد با ۵۹۳۰۶ صفحه است که ۹ مورد از آن‌ها به صورت تألیف، ۱۰ مورد به صورت تصحیح و ۴ مورد در قالب ترجمه است. از تعداد ۲۳ مورد کتاب‌های تفسیری، ۷ مورد شرح کامل، ۵ مورد شرح ناتمام و ۱۱ مورد شرح مختصر می‌باشد.

#### ۳-۳- کتاب‌های برگزیده

تعداد کتاب‌های برگزیدهٔ مثنوی، ۲۲ مورد در ۲۲ جلد با ۷۳۷۷ صفحه است که ۱۶ مورد از آن‌ها تألیف، ۲ مورد تصحیح و ۴ مورد نیز به صورت ترجمه است.

از ۲۲ مورد برگزیده‌های مثنوی، ۱۶ مورد همراه با توضیح درباره بیت‌های منتخب و ۶ مورد بدون توضیح است.

### ۳-۴- کتاب‌های تحقیقی - تفسیری

تعداد کتاب‌های تحقیقی - تفسیری، ۱۱ مورد در ۱۲ جلد با ۳۴۳۱ صفحه است که ده مورد از آن‌ها در هیأت تألیف و یک مورد بصورت تصحیح است.

### ۳-۵- راهنمای موضوعی

تعداد راهنماهای موضوعی، ۶ مورد در ۹ جلد با ۶۳۵۲ صفحه است که ۴ مورد از آن‌ها تألیف و ۲ مورد تصحیح است.

### ۳-۶- فرهنگ‌های لغت

تعداد فرهنگ‌های لغت مثنوی، ۲ فقره با ۱۰ جلد و ۴۵۶۱ صفحه است.

### ۳-۷- کتاب‌شناسی

تنها یک کتاب‌شناسی مثنوی، در یک جلد با ۶۵۵ صفحه و بصورت تألیف از خانم ماندانا صدیق بهزادی برای آثار مولانا تدوین شده که با همه ارزشی که در جای خود دارد، از کاستی و اشکال نیز بدور نیست.

### ۳-۸- بیت‌یاب

از بیت‌یاب‌های راهنمای همراه با برخی نسخه‌های مثنوی مانند چاپ‌های چهار جلدی دکتر نصرالله پورجوادی و آقای حسن لاهوتی از نسخه نیکلسون، و بیت‌یاب مستقل و یک جلدی چاپ دکتر توفیق سبحانی از مثنوی، و برخی بیت‌یاب‌های همراه با برخی از چاپ‌های یک جلدی دیگر که بگذریم، مفصل‌ترین و قابل توجه‌ترین بیت‌یاب یا کشف‌الابیات مثنوی، در چهار جلد با ۲۱۱۹ صفحه از استاد محمدتقی جعفری در دسترس است.

### ۳-۹- تقلیدی

چون یک کتاب با عنوان «دفتر مجعول هفتم مثنوی» در میان کتاب‌های مورد بررسی در این پژوهش وجود داشت و در هیچ یک از دیگر تقسیم‌بندی‌ها نمی‌گنجید

بناچار زیر عنوان «تقلیدی» قرار گرفت. این کتاب در یک جلد با ۱۳۶ صفحه تصحیح شده و بدست ما رسیده است.

جدول آمارهای ارائه شده

ردیف	نوع محتوای کتاب	تألیف	تصحیح	ترجمه	تعداد	جلد	صفحه
۱	تحقیقی	۴۳	—	۴	۴۷	۴۹	۱۴۲۷۳
۲	تفسیری (شرح)	۹	۱۰	۴	۲۳	۱۰۲	۵۹۳۰۶
۳	برگزیده	۱۶	۲	۴	۲۲	۲۲	۷۳۷۷
۴	تحقیقی - تفسیری	۱۰	۱	—	۱۱	۱۲	۳۴۳۱
۵	راهنمای موضوعی	۴	۲	—	۶	۹	۶۳۵۲
۶	فرهنگ لغات	۲	—	—	۲	۱۰	۴۵۶۱
۷	کتاب‌شناسی	۱	—	—	۱	۱	۶۵۵
۸	بیت‌یاب	۱	—	—	۱	۴	۲۱۱۹
۹	تقلیدی	—	۱	—	۱	۱	۱۳۶
	جمع	۸۶	۱۶	۱۲	۱۱۴	۲۱۰	۹۸۲۱۰

با توجه به آمار و ارقام بدست آمده، از مجموع ۱۱۴ کتاب بررسی شده بیش‌ترین درصد با ۷۵/۴۳٪ به حوزهٔ تألیف و کم‌ترین آن، با ۱۰/۵۲٪ به حوزهٔ ترجمه تعلق دارد. هم‌چنین بیش‌ترین درصد کتاب‌ها از جنبهٔ تألیف، با ۵۰٪ به کتاب‌های «تحقیقی»، و کم‌ترین آن‌ها با ۱/۱۶٪ به کتاب‌شناسی، و از نظر تصحیح نیز، بیش‌ترین درصد با ۶۲/۵۰٪ به کتاب‌های «تفسیری» و کم‌ترین، با ۶/۲۵٪ به «تقلیدی» و از لحاظ ترجمه، بیش‌ترین درصد با ۳۳/۳۳٪ به کتاب‌های «تحقیقی»، «برگزیده» و «تفسیری» متعلق است.

از نظر تعداد نیز، از مجموع ۱۱۴ عنوان، بیش‌ترین تعداد به کتاب‌های «تحقیقی» با ۴۱/۴۳٪ و کم‌ترین تعداد به کتاب‌های «بیت‌یاب»، «کتاب‌شناسی» و «تقلیدی» با ۶۷٪ یعنی هر کدام یک مورد تعلق دارد. درصد کتاب‌های «برگزیده» همراه با توضیح، ۷۲/۷۲٪ و بدون توضیح، ۲۷/۲۷٪ است.

در این آمار، بیش‌ترین حجم از نظر جلد و صفحه، به کتاب‌های «تفسیری» مربوط می‌شود که سهم مجلدات آن‌ها، ۴۸/۵۷٪ و سهم صفحه‌های آن‌ها ۶۰/۳۸٪ است.



می‌شود و کم‌ترین حجم از جنبه‌های یاد شده، متعلق به نوع «تقلیدی» است، با ۴۷٪ در مورد جلد و ۱۳٪ در مورد صفحه.

#### ۴- نتیجه‌گیری

از میان آثار مولانا، مثنوی از ارزش و جای‌گاهی ویژه برخوردار است و بارزترین گواه بر این ادعا، روی‌کرد گسترده پژوهش‌گران و علاقه‌مندان به آن است. بیش‌ترین و برجسته‌ترین آثار درباره مثنوی، در کشورهای ایران، شبه‌قاره و ترکیه صورت پذیرفته است. عمده‌ترین دلایل روی آوردن و پرداختن به مثنوی در کشورهای یاد شده عبارت است از:

- ۲- وجود و رواج زبان فارسی. البته موقعیت زبان فارسی در ایران با کشورهای دیگر، تفاوتی بسیار زیاد دارد و وضعیت آن در ترکیه و شبه‌قاره نیز از دیرباز به این سو، فراز و فرودهایی داشته است که در این جا فرصت پرداختن به آن‌ها نیست.
  - ۳- معارف بلند و جذاب مثنوی.
  - ۴- هم‌وطنی مولانا برای ایرانیان، اقامت طولانی او در ترکیه برای مردم آن دیار و زمینه‌های تصوف مطرح در مثنوی برای مردم شبه‌قاره بویژه جامعه هند، از جمله موضوع‌هایی است که هر کدام در جای خود، حایز اهمیت و توجه است.
- در دوره اول مثنوی‌پژوهی در ایران، آن چه بیش‌تر قابل توجه و تأمل است، دلیل یا دلایل بی‌توجهی و نپرداختن مکتوب ایرانیان به مثنوی در طی تقریباً دو‌یست سال از زمان خلق آن تا روی آوردن کمال‌الدین حسین خوارزمی به آن است؛ مطلبی که نیازمند بررسی‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در تاریخ ایران است. البته همان گونه که در متن مقاله نیز گفته شد، چند احتمال در این مورد به ذهن می‌رسد:
- ۱- بی‌خبری ایرانیان از خلق مثنوی و چگونگی آن در قلمرو دولت عثمانی.
  - ۲- وجود شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و عرفانی مانند فردوسی، سنایی، عطار و برخی دیگر با آثار گران‌بهای خود، ایرانیان را از توجه و پرداختن به مولانا و مثنوی تا مدت‌ها بی‌نیاز می‌نموده است.
  - ۳- روی‌دادهای سیاسی و اجتماعی و شاید هم مذهبی، مانع از پرداختن به مولانا و مثنوی می‌شده است.

به هر حال، به همان نسبت که در دوره اول مثنوی‌پژوهی در ایران، بازار روی آوردن به اندیشه‌های مولانا با فراز و فرود و کسادی خاص خود روبه‌رو بوده است، در دوره دوم مثنوی‌پژوهی، به دلایل مختلف بویژه فاصله گرفتن جامعه از پیدا شدن



شخصیت‌های بزرگ ادبی و عرفانی از یک سو و خستگی جامعه از تمدن مدرن و صنعتی از سوی دیگر، زمینه‌های جدی و همه‌جانبه را برای توجه و روی آوردن به مثنوی فراهم می‌کند و پژوهش‌گران و نویسندگان، آشنایی جامعه را با مثنوی و اندیشه‌های مولانا، یک ضرورت انکارناپذیر می‌دانند و به صورت‌های مختلف و متنوع دربارهٔ مثنوی، دست به تحقیق می‌زنند و آثاری فراوان را بوجود می‌آورند.

بنابراین، اسارت فکری و روحی جامعه در دنیای صنعتی و ماشینی از یک سو و تشنگی جامعه برای رسیدن به معرفت و معنویت مطرح در کتاب‌هایی مانند مثنوی از سوی دیگر و پیدا شدن دانش‌گاه‌ها و مراکز علمی و انتشاراتی و نیاز روزافزون دانش‌جویان و فراگیران به خواندن کتاب‌های ادبی از جمله مثنوی از سوی دیگر، به‌ترین و بارزترین دلایل روی آوردن و پرداختن بیشتر به مثنوی و پدید آمدن پژوهش‌های بیشتر و متنوع‌تر دربارهٔ آن در دورهٔ دوم مثنوی پژوهی در ایران است.

اگر به آمار و ارقام بدست آمده در مقالهٔ حاضر بیشتر توجه شود، به این نتیجه می‌رسیم که از مجموع کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش، یعنی انواع سه‌گانهٔ تألیفی، تصحیحی و ترجمه‌ای، نزدیک به ۷۵ و نیم درصد از آن‌ها به صورت تألیف است (نمودار ۱) و ۵۰ درصد از کتاب‌های تألیفی نیز به کتاب‌های تحقیقی تعلق دارد (نمودار ۲) که این موضوع، بیش از هر چیز، از درک نویسندگان نسبت به نیاز جامعه و علاقهٔ آنان به پدید آوردن آثار تحقیقی، تازه‌تر و متنوع‌تر دربارهٔ مثنوی حکایت می‌کند.

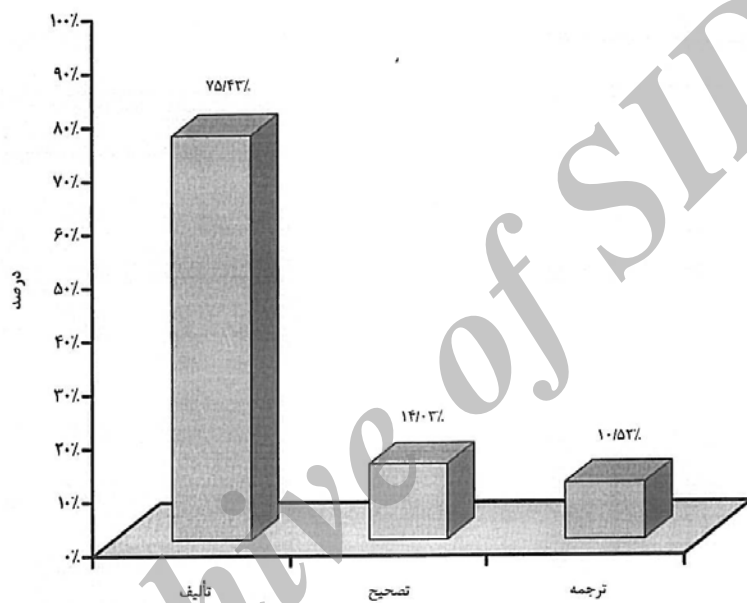
با توجه به نمودار شمارهٔ ۳، بیش‌ترین درصد از انواع کتاب‌های نوع دوم، یعنی تصحیحی نیز، با بیش از ۶۲ درصد به کتاب‌های تفسیری تعلق دارد که این مطلب نیز بیان‌گر این است که بیش‌ترین آثار نوشته شده دربارهٔ مثنوی در گذشته‌های دور به حوزهٔ شرح‌نویسی مربوط می‌شده و این موضوع نیز نشان‌گر این مطلب است که جوامع سنتی برخلاف جوامع امروزی هنوز به تنوعات گوناگون و برداشت‌های مختلف در قلمرو اندیشه و زندگی نرسیده بوده است و بر همین اساس در برخورد با کتابی مانند مثنوی نیز بیش‌تر به دنبال برطرف شدن دشواری‌های لفظی و فهم مقاصد آن در قالب شرح و تفسیر آن برآمده‌اند.

دربارهٔ کتاب‌های نوع سوم، یعنی ترجمه‌ای‌ها نیز، این مطلب قابل تأمل است که این گونه کتاب‌ها که اصولاً از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه شده، برخلاف دو نوع دیگر، یعنی تألیفی و تصحیحی، فقط در سه زمینهٔ تحقیقی، تفسیری و برگزیده صورت گرفته است که احتمالاً این موضوع نیز بیش از هر چیز

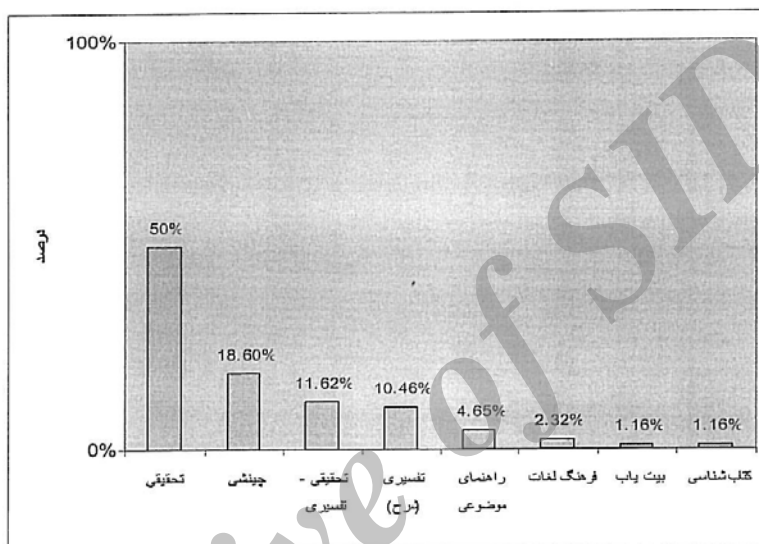
می‌تواند بیان‌گر علاقه نویسندگان اروپایی به سه حوزه یاد شده و اشراف آنان بر این سه محور باشد.

از دل این نتیجه‌گیری می‌توان به این نکته نیز دست یافت که متنی‌هایی مانند مثنوی که از پشتوانه‌های فرهنگی و معرفتی غنی و زبانی نمادین برخوردار است، در زمان‌ها و جوامع مختلف، ظرفیت تأویل‌پذیری و برداشت‌های گوناگون را دارد و افراد متفاوت می‌توانند برحسب سلیقه و دریافت خود از آنها، بهره لازم را ببرند.

Archive of SID



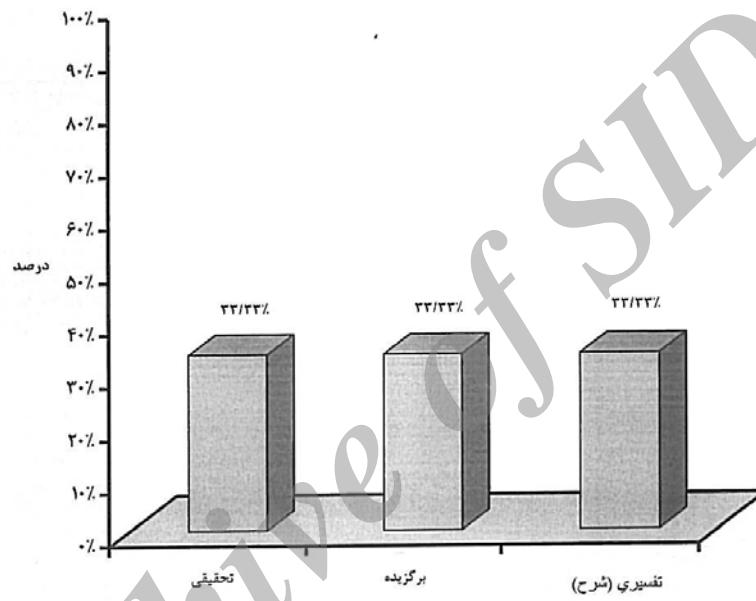
نمودار ۱- درصد کتاب‌های تألیفی، تصحیحی و ترجمه‌ای از مجموع آن‌ها



نمودار ۲- درصد انواع کتاب‌ها از مجموع کتاب‌های تألیفی

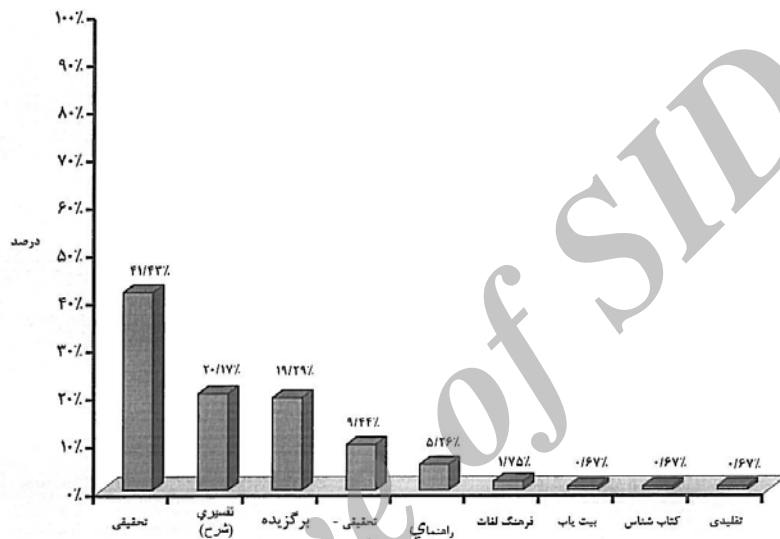


نمودار ۳- درصد انواع کتاب ها از مجموع کتاب های تفسیحی



نمودار ۴ - درصد انواع کتاب‌ها از مجموع کتاب‌های ترجمه‌ای

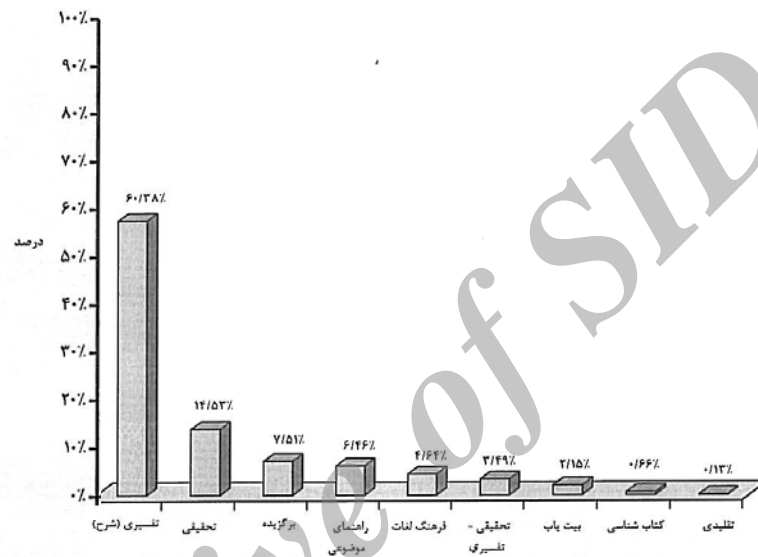
Archive of SID



نمودار ۵ - درصد کتاب های نه گانه از کل کتاب ها

Archive of SID





نمودار ۶ - درصد صفحه و حجم کتاب‌های نه گانه از مجموع صفحات کل کتاب‌ها

Archive of SID



### پی‌نوشت‌ها

۱- گذشته از برخی پژوهش‌های خبری و پراکنده در بعضی کتاب‌ها و مقاله‌ها، بهترین کاری که تاکنون درباره‌ی آثار پدیده آمده درباره مولوی تدوین شده، چاپ دوم «کتاب‌شناسی مولوی» از خانم ماندانا صدیق بهزادی است که البته با همه‌ی ارزشی که در جای خود دارد، خالی از لغزش و کاستی نمی‌باشد. افزون بر این، پایان‌نامه‌ی دکتری نگارنده نیز، پس از گزارشی صد صفحه‌ای در خصوص حضور مثنوی در کشورهای مختلف، کتاب‌شناسی توصیفی و تحلیلی مثنوی را از آغاز تا سال ۱۳۸۳ در بردارد.

۲- این دسته بندی و نام گذاری با توجه به موضوع و محتوای کتاب‌ها صورت گرفته است و ممکن است دقیق و جامع و مانع هم نباشد؛ اما برای تمایز میان انواع کتاب‌ها و تشخیص مرزهای کم رنگ گونه‌های مختلف موضوعی آن‌ها نیز، چاره‌ای جز این نبود. بنابراین، منظور از «تحقیقی»، کتاب‌هایی است که در آن‌ها به مثنوی از جنبه‌های تحقیقی و به دور از شرح و تفسیر اشعار پرداخته شده است؛ و منظور از «تفسیری» توجه شده و در عرف جامعه به این گونه کتاب‌ها، «شرح مثنوی» گفته می‌شود. مقصود از «تحقیقی-تفسیری»، کتاب‌هایی است که در آن‌ها، هم از زاویه‌های تحقیقی و هم از جنبه‌های شرح اشعار به مثنوی نگاه شده است. غرض از «برگزیده»، کتاب‌هایی است که بخش‌ها و بیت‌هایی از مثنوی، با توضیح یا بدون توضیحی در آن‌ها جمع‌آوری گردیده است. «راهنمای موضوعی» نیز کتاب‌هایی است که بیت‌هایی از دفترهای مختلف مثنوی، زیر عنوان‌ها و موضوع‌های گوناگونی در آن‌ها گردآوری و موضوع بندی شده است. «بیت یاب» یا کشف الابیات نیز شناخته تر از آن است که به توضیح نیازمند باشد؛ اما عنوان «تقلیدی»، برای تنها کتاب موجود یعنی «دفتر مجعول هفتم مثنوی» از این جهت انتخاب شد که این کتاب، در هیچ کدام از دیگر موارد قرار نمی‌گرفت و به ناچار زیر عنوان «تقلیدی» قرار داده شد.

۳- آقای نجیب مایل هروی، به جای لقب «کمال الدین»، لقب «جمال الدین» را برای خوارزمی صحیح می‌داند. (رک: شکوه شمس، تکمله‌ای برای آخرین بخش کتاب، ص ۵۵۴).

۴- جواهر الاسرار و زواهر الانوار، به همت دکتر محمد جواد شریعت، نخست به صورت ناتمام و در دو جلد در انتشارات مشعل اصفهان و سپس در سال ۱۳۸۴ به طور کامل و در چهار مجلد در انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

۵- برای آگاهی بیش تر درباره ی خوارزمی و آثار او، از جمله «جواهر الاسرار...» به این منابع می توان مراجعه کرد: تذکره های «مجالس النفایس» امیرعلی شیرنویسی، ص ۹، «هفت اقلیم» امین احمد رازی، (۳/۳۲۰)، «مجالس العشاق» کمال الدین حسین گازرگاهی، ص ۱۶۴ و مقدمه ی نجیب مایل هروی بر شرح فصوص الحکم خوارزمی (نقل از تکلمه نجیب مایل هروی بر کتاب «شکوه شمس» خانم شیمیل به ترجمه ی حسن لاهوتی، ص ۵۵۴) و نیز درباره ی خوارزمی، بنگرید به مقدمه ی دکتر محمد جواد شریعت جلد اول «جواهر الاسرار...» و ص ۷۷۱ جلد دوم «سرنی» از دکتر عبدالحسین زرین کوب.

۶- «سراج السالکین»، به کوشش جویا جهانبخش در سال ۱۳۸۰ در انتشارات میراث مکتوب، و «عرفان مثنوی» به همت مهدی انصاری در سال ۱۳۷۹ در انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

۷- برای آگاهی بیش تر درباره ی دفتر یا دفترهای مجعول هفتم مثنوی، می توان به این مآخذ رجوع کرد: زندگانی مولانا جلال الدین محمد، از فروزان فر، ص ۱۶۱؛ مولوی، دیروز تا امروز، شرق تا غرب، از فرانکلین دین لوئیس، (ترجمه ی حسن لاهوتی) ص ۵۹۷؛ مجله ی یغما، سال دوازدهم، شماره ی پنجم، مرداد ۱۳۳۸، مقاله ی «نقد متن مثنوی» از علی نقی شریعتمداری، ص ۲۰۴.

### کتاب‌نامه

- جواهرالاسرار و زواهرالانوار: خوارزمی، حسین، محمدجواد شریعت (مصحح)، تهران، اساطیر (چاپ اول از دوره چهار جلدی)، ۱۳۸۴.
- زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، فروزان‌فر، بدیع‌الزمان، تهران، زوار، ۱۳۷۶.
- سراج السالکین، فیض کاشانی، ملامحسن، جویا جهان بخش (مصحح)، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰.
- سرنی (ج ۲)، زرین کوب، عبدالحسین، تهران، علمی، ۱۳۶۶.
- شکوه شمس، شیمیل، آنماری، حسن لاهوتی (مترجم)، تکلمه «فارسی زبانان درباره آثار مولانا» از نجیب مایل هروی، ص ۵۵۴.
- مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب، دین لوئیس، فرانکلین، حسن لاهوتی (مترجم)، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۴.
- «نقد متن مثنوی»، شریعتمداری، علی نقی، مجله یغما، سال دوازدهم، مردادماه ۱۳۸۸، شماره پنجم، ص ۲۰۴.